

The Facade of Negligence in Contemporary Urban Life: Analyzing the Mechanisms of Moral Deficiency from the Perspective of Urban Theology and Spiritual Resilience Strategies

Hadi Ensaf¹

Zahra Ghasemnejad²

Abstract

Modern urban living faces complex challenges such as social fragmentation, moral degradation, and the emergence of new forms of spiritual apathy, which erode the moral foundations of citizens and diminish the civilization-building mission of religion. This study aims to deeply analyze the mechanisms that produce moral deficiency—such as negligence (ghaflah), moral disengagement, and weakness of will—within the urban context, and proposes theological strategies for the spiritual resilience of citizens. The research employs a qualitative method, specifically inferential content analysis, conducted in an interdisciplinary manner based on fundamental Islamic texts, moral philosophy, and findings from social and urban psychology. The findings indicate that negligence is not merely an individual shortcoming but a structural and functional phenomenon in urban life that interacts with defensive cognitive mechanisms and the weakening of moral identity. The solution, therefore, lies in the continuous activation of theological “remembrance” (dhikr) and the strengthening of the “Greater Jihad” (jihad-e akbar) in confronting both environmental and intra-personal temptations. This research emphasizes the necessity of re-reading the role of “remembrance” (dhikr) and “contemplation” (muraqabah) in contemporary urban life models, to provide the ground for spiritual reconstruction and the reinforcement of moral foundations among citizens.

Keywords: Moral Negligence, Moral Disengagement Mechanisms, Moral Identity, Hayat Tayyibah (The Good/Pure Life), Urban Theology.

1. Master's Student of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Shiraz University, Shiraz, Iran, (Corresponding Author) h.ensaf90@gmail.com

2. Associate Professor of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Shiraz University, Shiraz, Iran, z_ghasemi62@yahoo.com

سیمای غفلت در حیات شهری معاصر: واکاوی سازوکارهای فقدان اخلاقی از منظر الهیات شهر و راهبردهای تاب‌آوری معنوی*

هادی انصاف^۱

زهرا قاسم‌نژاد^۲

چکیده

زیست مدرن شهری با چالش‌های پیچیده‌ای نظیر گسست‌های اجتماعی، آلودگی‌های اخلاقی و پدیدارشدن اشکال نوینی از بی‌تفاوتی معنوی مواجه است که بنیان‌های اخلاقی شهروندان را تحلیل می‌کند و از رسالت تمدن‌ساز دین می‌کاهد. این پژوهش با هدف واکاوی عمیق سازوکارهای پدیدآورنده فقدان اخلاقی نظیر غفلت، بی‌اثرسازی اخلاقی و ضعف اراده در بستر شهری، به ارائه راهکارهای الهیاتی برای تاب‌آوری معنوی شهروندان می‌پردازد. روش تحقیق، کیفی و از نوع تحلیل محتوای استنباطی است که بر پایه متون بنیادین اسلامی، فلسفه اخلاق و یافته‌های روان‌شناسی اجتماعی و شهری به صورت میان‌رشته‌ای صورت پذیرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد غفلت، نه تنها یک نقص فردی، بلکه پدیده‌ای ساختاری و کارکردی در حیات شهری است که با سازوکارهای شناختی دفاعی و تضعیف هویت اخلاقی در تعامل است و راهکار برون‌رفت از آن، در گرو فعال‌سازی مداوم «بادآوری» الهیاتی و تقویت «جهاد اکبر» در مواجهه با وسوسه‌های محیطی و درون‌فردی است. این پژوهش، بر ضرورت بازخوانی جایگاه «ذکر» و «مراقبه» در الگوی زیست شهری معاصر تأکید می‌کند تا زمینه‌های بازسازی معنوی و تقویت بنیان‌های اخلاقی در شهروندان فراهم گردد.

واژگان کلیدی: غفلت اخلاقی، سازوکارهای بی‌اثربخشی اخلاقی، هویت اخلاقی، حیات طیبه،

الهیات شهر.



* تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۶، تاریخ تأیید: ۱۴۰۴/۱۱/۰۸.

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22081/JTC.2026.72915

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، الهیات، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. (نویسنده مسئول)

h.ensaf90@gmail.com

۲. دانشیار علوم قرآن و حدیث، الهیات، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. z_ghasemi62@yahoo.com



مقدمه

زیست شهری در عصر پیش‌رو، با وجود تمام پیشرفت‌های فناوریانه و توسعه کالبدی، با بحران‌های عمیق اخلاقی و معنوی دست‌وپنجه نرم می‌کند. گسست‌های اجتماعی، فردگرایی افراطی و پدیداری اشکال نوینی از بی‌تفاوتی و ناامیدی، چالشی جدی برای نهاد دین و رسالت تمدن‌ساز آن در فضای شهری به‌شمار می‌آید (گیدنز، ۱۳۷۸، ص ۱۸۰-۱۸۵). در این میان، «فقدان اخلاقی» نه تنها به معنای عدم حضور فضایل، بلکه یک پدیده فعال و پویا، ریشه در سازوکارهای پیچیده‌ای دارد که بستر شهر، آن را تشدید می‌کند. این پدیده، زمینه را برای کاهش مسئولیت‌پذیری اجتماعی، تضعیف همبستگی‌های ایمانی و در نهایت فرسایش بنیان‌های فرهنگی و اخلاقی یک شهر اسلامی فراهم می‌آورد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۸۴-۱۸۶؛ Bandura, 1999, p. 193-209).

چالش اصلی در این زمینه، فهم عمیق سازوکارهای شکل‌گیری و تثبیت فقدان اخلاقی در حیات شهری و سپس ارائه راهکارهای الهیاتی-معنوی برای مقابله با آن است. این تحقیق بر آن است تا با بررسی پدیده‌هایی چون غفلت، بی‌اثرسازی اخلاقی و ضعف اراده، که از ارکان فقدان اخلاقی به‌شمار می‌آیند، مدل مفهومی جامعی را ارائه دهد. این مدل، نشان خواهد داد چگونه پدیده‌های روان‌شناختی-اجتماعی با مفاهیم بنیادین الهیاتی در تعامل قرار گرفته و بسترهای فقدان اخلاقی در شهر را می‌سازند. ما با بهره‌گیری از منابع اصیل اسلامی و دستاوردهای علوم انسانی معاصر، به این چالش پاسخ می‌دهیم و راهبردهایی را برای تقویت تاب‌آوری معنوی شهروندان و کاهش آسیب‌پذیری آنان در برابر فرسایش اخلاقی ارائه می‌کنیم. این پژوهش، به نهاد دین و متخصصان شهری کمک خواهد کرد تا با درک بهتر ریشه‌های فقدان اخلاقی، در جهت طراحی سیاست‌ها و برنامه‌هایی گام بردارند که به حیات طیبه و تمدن‌سازی اسلامی در شهر منجر شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۵، ص ۲۳۰-۲۳۲؛ Lapsley & Narvaez, 2004, p. 3-5).

پیشینه پژوهش

در حوزه «الهیات شهر»، مطالعات متعددی به بررسی نسبت دین و فضای شهری پرداخته‌اند. برخی پژوهش‌ها به نقش مساجد و اماکن مذهبی در توسعه شهری (پورا احمد و همکاران،

۱۳۹۱، ص ۵۰-۵۵)، و برخی دیگر به تأثیر مفاهیم اسلامی بر معماری و شهرسازی (حسینی شاهرودی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۰-۱۲۵) پرداخته‌اند. در حوزه اخلاق شهری، آثاری به بررسی ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی در تعاملات شهروندان (جمالی و احمدی، ۱۳۹۵، ص ۷۸-۸۲) و نقش آنها در ایجاد سرمایه اجتماعی پرداخته‌اند. از سوی دیگر، در حوزه روان‌شناسی اجتماعی و اخلاق کاربردی، مطالعات گسترده‌ای درباره «عدم تعهد اخلاقی» (Moral Disengagement) توسط آلبرت بندورا و همکارانش صورت گرفته است (Bandura, 1999: 193-209; Bandura, 2016: 45-50). این پژوهش‌ها، به سازوکارهایی نظیر توجیه اخلاقی، جابه‌جایی مسئولیت، تحریف پیامدها و اهریمن‌سازی قربانی اشاره دارند که به افراد اجازه می‌دهند بدون احساس گناه، رفتارهای غیر اخلاقی انجام دهند. مفهوم «هویت اخلاقی» (Moral Identity) و نقش آن در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی نیز توسط آکینو و رید (Aquino & Reed, 2002: 1423-1440) بررسی شده است. همچنین، پدیده «غفلت» در منابع اسلامی، به عنوان یک آفت معنوی و ریشه بسیاری از خطاهای اخلاقی تأکید شده است (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۱۰۰-۱۰۲؛ نراقی، ۱۳۸۶، ص ۴۵-۴۷).

ضعف اراده و «اکراسیا» (Akrasia) نیز در فلسفه اخلاق غرب (Aristotle, 2004: 1145b-1146a; Davidson, 1980: 21-25) و در متون اسلامی تحت عنوان غلبه هوای نفس و عدم «عزم راسخ» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ص ۵۶-۵۸) مطرح شده است. با این حال، پژوهشی که به صورت یکپارچه و میان‌رشته‌ای به تبیین نقش تعاملی غفلت الهیاتی، بی‌اثرسازی اخلاقی شناختی-اجتماعی و ضعف اراده در ایجاد «فقدان اخلاقی» در بستر شهری پردازد و بر اساس آن، راهبردهای «تاب‌آوری معنوی» را از منظر الهیات شهر ارائه دهد، نادیده گرفته شده است. نوآوری اصلی این مقاله در همین نقطه تلاقی سه حوزه روان‌شناسی اجتماعی، فلسفه اخلاق و الهیات اسلامی است که با ارائه یک مدل یکپارچه، ابعاد مختلف فقدان اخلاقی در شهر را روشن می‌سازد و برای نخستین بار، «ذکر و مراقبه» را به عنوان راهبردهای کلیدی تاب‌آوری معنوی در محیط شهری پیشنهاد می‌دهد.



۱. چارچوب نظری: سیمای غفلت در حیات شهری معاصر و تاب‌آوری معنوی از منظر الهیات شهر

۱-۱. تقاطع الهیات، اخلاق و زیست شهری در مواجهه با فقدان اخلاقی

زیست شهری معاصر با پیچیدگی‌های ساختاری و کارکردی خود، بستری مساعد برای بروز چالش‌های اخلاقی و معنوی فراهم آورده است. این چالش‌ها از سطح فردی تا ساختار اجتماعی، به پدیداری آنچه می‌توان «فقدان اخلاقی» (Moral Languishing) نامید، منجر شده است. فقدان اخلاقی، فراتر از صرف نقص یا فقدان فضیلت، به معنای تضعیف فعالانه و سیستماتیک بنیان‌های اخلاقی و معنوی فرد و جامعه است که در محیط شهری به اشکال گوناگون تظاهر می‌یابد. در این راستا، چارچوب نظری این پژوهش، از تقاطع سه‌گانه «الهیات شهر»، «روانشناسی اخلاق» و «فلسفه اخلاق» شکل می‌گیرد تا پدیده فقدان اخلاقی را با تمرکز بر مفهوم «غفلت» به عنوان محور اصلی، در بستر شهری معاصر تحلیل کرده و راهبردهای «تاب‌آوری معنوی» را از منظر الهیات اسلامی پیشنهاد دهد. این چارچوب نظری می‌کوشد با تبیین سازوکارهای پدیدآورنده فقدان اخلاقی و ارائه راهکارهای معنوی، به رسالت تمدن‌سازی دین در مواجهه با چالش‌های اخلاقی شهر پاسخ دهد.

۱-۲. الهیات شهر: بنیان‌های نظری و رسالت اخلاقی دین در بستر شهری

«الهیات شهر»^۱ رشته‌ای میان‌رشته‌ای است که به بررسی رابطه دین، الهیات و زندگی شهری می‌پردازد. این حوزه، شهر را نه تنها به عنوان یک فضای کالبدی، بلکه به مثابه یک موجودیت اجتماعی، فرهنگی و معنوی می‌بیند که در آن ارزش‌ها، باورها و عملکردهای دینی، نقشی محوری در شکل‌دهی به حیات جمعی ایفا می‌کنند (Graham, 2017, p.23-28; Beaudoin, 2013, p.15-20). از منظر الهیات اسلامی، شهر آرمانی یا «مدینه فاضله» (فارابی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۳۰-۱۳۵)، محلی برای تجلی «حیات طیبه» و بستری برای رشد و کمال انسان است که

در آن، فضایل اخلاقی و معنوی پرورش می‌یابند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۹۵-۳۹۷). در مقابل، شهر در وضعیت فعلی، می‌تواند به محلی برای زوال اخلاقی و معنوی تبدیل شود، اگر دین نتواند رسالت هدایت‌گری خود را در آن ایفا کند (مطهری، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۳۴۵-۳۴۸).

۱-۲-۱. شهر به مثابه متن و بستر فقدان اخلاقی

از منظر پدیدارشناسی، شهر می‌تواند به مثابه متنی خوانده شود که در آن، نشانه‌ها و نمادهای فقدان اخلاقی قابل تفسیر است (Lefebvre, 1991, p.68-70). تراکم جمعیت، تنوع فرهنگی، ناشناسایی نسبی، و سرعت بالای زندگی، همگی می‌توانند به بروز پدیده‌هایی نظیر فردگرایی افراطی، بی‌تفاوتی اجتماعی و حس بیگانگی منجر شوند (Simmel, 1950, p.409-۴۱۲). این عوامل، در کنار ساختارهای اقتصادی-اجتماعی ناعادلانه، به تضعیف «سرمایه اجتماعی» و «همبستگی اخلاقی» در شهر می‌انجامد (Putnam, 2000, p.19-21). الهیات شهر، با رویکرد انتقادی خود، این بسترها را شناسایی کرده و به دنبال کشف ریشه‌های الهیاتی-معنوی این چالش‌هاست.

۱-۲-۲. رسالت تمدن‌ساز دین و تاب‌آوری معنوی

رسالت دین در شهر، فراتر از ارائه راهبردهای فردی، شامل نقش تمدن‌ساز آن در جهت‌دهی به حیات جمعی و ایجاد بستر مناسب برای رشد معنوی است. این رسالت، در مواجهه با فقدان اخلاقی، به شکل «تاب‌آوری معنوی»^۱ تظاهر می‌یابد. تاب‌آوری معنوی، به معنای ظرفیت فرد و جامعه برای مقاومت در برابر شوک‌های اخلاقی، بازسازی خود پس از آسیب‌های معنوی و بازگشت به مسیر رشد و کمال، با تکیه بر منابع درونی (ایمان، تقوا) و بیرونی (جامعه ایمانی) است (Pargament et al., 2011, p.34-39; King, 2008, p.75-80). الهیات شهر، با تأکید بر مفاهیمی نظیر «یادآوری» (ذکر)، «مراقبه» و «جهاد اکبر»، به دنبال تقویت این تاب‌آوری در مواجهه با مکانیزم‌های فقدان اخلاقی است.



۱-۳. غفلت: محرواصلی فقدان اخلاقی از منظر الهیات اسلامی و روان‌شناسی

اخلاق

مفهوم «غفلت» در الهیات اسلامی، به عنوان نسیان امر الهی و فراموشی هدف نهایی خلقت، ریشه بسیاری از خطاهای اخلاقی و معنوی است (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۱۰۰-۱۰۲؛ نراقی، ۱۳۸۶، ص ۴۵-۴۷). غفلت، نه تنها یک بی‌خبری ساده، بلکه حالتی فعال از بی‌توجهی عمدی یا غیرعمدی به واقعیت‌های الهی و پیامدهای اعمال است که می‌تواند به تضعیف تدریجی قوه تشخیص اخلاقی و اراده منجر شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۳۰-۲۳۲).

۱-۳-۱. غفلت و سازوکارهای شناختی دفاعی

غفلت در بستر شهری، با سازوکارهای «بی‌اثرسازی اخلاقی»^۱ که توسط آلبرت بندورا (Bandura, 1999, p.193-209; Bandura, 2016, p.45-50) مطرح شده، در تعامل است. بی‌اثرسازی اخلاقی به فرآیندهای شناختی گفته می‌شود که به افراد اجازه می‌دهد بدون احساس گناه، اعمال غیر اخلاقی انجام دهند. این سازوکارها موارد ذیل را در بر می‌گیرد:

توجیه اخلاقی^۲: بازسازی عمل غیر اخلاقی در ذهن به عنوان عملی اخلاقی یا قابل قبول.

برچسب‌گذاری توهین‌آمیز^۳: استفاده از کلمات و عباراتی برای پنهان کردن ماهیت غیر اخلاقی عمل.

مقایسه سودمند^۴: مقایسه عمل غیر اخلاقی خود با اعمال بدتر دیگران.

جابه‌جایی مسئولیت^۵: انتقال مسئولیت عمل به مرجع قدرت بالاتر.

توزیع مسئولیت^۶: تقسیم مسئولیت در یک گروه بزرگ، که حس مسئولیت فردی را کاهش

1. Moral Disengagement
2. Moral Justification
3. Euphemistic Labeling
4. Advantageous Comparison
5. Displacement of Responsibility
6. Diffusion of Responsibility

می‌دهد.

تحریف پیامدها^۱: نادیده گرفتن، کم‌اهمیت جلوه دادن یا تحریف نتایج زیان‌بار عمل. اهریمن‌سازی قربانی^۲: سلب انسانیت از قربانی، که همدلی را از بین می‌برد. اسناد تقصیر به قربانی^۳: مقصر دانستن قربانی برای آنچه بر سرش آمده است. این سازوکارها، به نوعی ابزارهای شناختی برای استمرار غفلت هستند که در محیط شهری با فراهم آوردن بسترهای لازم (نظیر فرصت‌های بیشتر برای ناشناسایی، فشار جمعی و پیچیدگی ساختاری)، تسهیل می‌شوند.

۱-۳-۲. غفلت و تضعیف هویت اخلاقی

«هویت اخلاقی»^۴، به میزان اهمیت اخلاق برای درک فرد از خود، اشاره دارد (Aquino & Reed, 2002: 1423-1440). غفلت مزمن، به تضعیف هویت اخلاقی منجر می‌شود؛ زیرا فرد به تدریج، ارزش‌ها و اصول اخلاقی را از هسته مرکزی خودپنداره‌اش دور می‌سازد. این تضعیف، به نوبه خود، به کاهش انگیزه برای عمل اخلاقی و افزایش احتمال بی‌اثرسازی اخلاقی منجر می‌شود (Hardy & Carlo, 2011: 232-235). در محیط شهری، تعارض ارزش‌ها، مواجهه با سبک‌های زندگی متنوع و فشار برای سازگاری با هنجارهای گاه متناقض، می‌تواند فرآیند تضعیف هویت اخلاقی را تسریع کند.

۱-۳-۳. غفلت و ضعف اراده (اکراسیا)

غفلت، به طور مستقیم بر «اراده»^۵ و ظرفیت «عزم» تأثیر می‌گذارد. ضعف اراده یا «اکراسیا»^۶، به پدیده‌ای گفته می‌شود که فرد بهترین قضاوت اخلاقی را دارد، اما در عمل خلاف آن رفتار می‌کند (Aristotle, 2004, p.1145b-1146a; Davidson, 1980, p.21-25). از

1. Distorting the Consequences
2. Dehumanization
3. Attribution of Blame
4. Moral Identity
5. Will
6. Akrasia



منظر اسلامی، این ضعف اراده، نتیجه غلبه «هوای نفس» و عدم توانایی در «جهاد اکبر» است (امام خمینی، ۱۳۷۸، ص ۵۶-۵۸). غفلت، با تضعیف یادآوری پیامدهای اعمال و اهمیت ارزش‌های اخلاقی، بستر را برای غلبه امیال لحظه‌ای و ضعف اراده فراهم می‌آورد. این رابطه، یک چرخه بازخورد منفی ایجاد می‌کند که در آن، غفلت به ضعف اراده می‌انجامد و ضعف اراده، غفلت را تقویت می‌کند.

۱-۴. راهبردهای تاب‌آوری معنوی: «ذکر» و «مراقبه» در بستر شهری

در مواجهه با فقدان اخلاقی ناشی از غفلت، الهیات شهر راهبردهایی را برای تقویت تاب‌آوری معنوی پیشنهاد می‌دهد که «ذکر» و «مراقبه» از مهم‌ترین آن‌ها هستند.

۱-۴-۱. «ذکر» به مثابه یادآوری فعال الهیاتی

«ذکر»، در مفهوم قرآنی و روایی آن، فراتر از یک تکرار لفظی، به معنای «یادآوری فعال» و دائمی حضور خداوند، اهداف آفرینش، و پیامدهای اعمال است (زاغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۴۵-۳۴۷). ذکر، نیروی مقابله‌گر با غفلت است. در بستر شهری، ذکر می‌تواند در اشکال مختلفی تظاهر یابد:

ذکر لسانی: تکرار اذکار و اوراد، که به مثابه نقاط لنگرگاهی معنوی در فضای پرهیاهوی شهری عمل می‌کند.

ذکر قلبی: توجه و تمرکز پیوسته بر حضور خداوند و یادآوری اصول اخلاقی در تعاملات روزمره.

ذکر عملی: انجام اعمال خیر و مسئولیت‌پذیری اجتماعی با نیت الهی، که خود به تقویت هویت اخلاقی منجر می‌شود (غزالی، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۲۱۰-۲۱۲).

ذکر، با فعال‌سازی مداوم «آگاهی اخلاقی»^۲ و «توجه‌مندی»^۳ به ارزش‌های الهی، سازوکارهای بی‌اثرسازی اخلاقی را خنثی کرده و به تقویت اراده در جهت عمل خیر کمک می‌کند (Brown & Ryan, 2003, p.177-183).

1. Remembrance/Recollection
2. Moral Awareness
3. Mindfulness

۱-۴-۲. «مراقبه» به مثابه خودنظارتی مستمر و بازسازی هویت اخلاقی

«مراقبه»^۱، به معنای نظارت و پایش مستمر اعمال، نیات و افکار فرد، با هدف جلوگیری از لغزش اخلاقی و ارتقای کیفیت معنوی است (علامه طباطبایی، ۱۳۸۶، ص ۸۰-۸۲). مراقبه، یک فرآیند خوداصلاحی دائمی است که فرد را نسبت به سازوکارهای پنهان غفلت و بی‌اثرسازی اخلاقی آگاه می‌سازد. در محیط شهری، مراقبه می‌تواند به شکل:

خودبازنگری روزانه: اختصاص زمان برای ارزیابی اعمال و تصمیمات اخلاقی.

حفظ حضور قلب: تلاش برای دوری از تشتت فکری و حفظ تمرکز بر خداوند در مواجهه

با محرک‌های محیطی.

جهاد با نفس: مبارزه فعال با تمایلات منفی و تقویت اراده برای انتخاب اخلاقی.

مراقبه، به بازسازی «هویت اخلاقی» کمک می‌کند؛ زیرا فرد با نظارت بر خویش می‌کوشد

اعمالش با ارزش‌های اخلاقی که برای خود قائل است، هم‌خوانی داشته باشد. این فرآیند، نه تنها

به مقابله با ضعف اراده کمک می‌کند، بلکه به پایداری فضایل اخلاقی در برابر فشارهای محیطی

نیز منجر می‌شود (Colby & Damon, 1992, p. 51-55).

۲. مدل مفهومی پژوهش

چارچوب نظری حاضر، به دنبال تبیین روابط علی میان مفاهیم بیان شده است: عوامل محیطی و ساختاری شهر: (تراکم، تنوع، ناشناسایی، سرعت، ساختارهای ناعادلانه) -> بستر مناسب برای «غفلت».

غفلت: (فراموشی امر الهی، بی‌توجهی به پیامدها) -> فعال‌سازی «بی‌اثرسازی اخلاقی» و

تضعیف «هویت اخلاقی» -> منجر به «ضعف اراده» (اکراسیا) -> مجموعاً منجر به «فقدان

اخلاقی».

الهیات شهر: (با تأکید بر رسالت تمدن‌ساز دین) -> ارائه راهبردهای «تاب‌آوری معنوی».

راهبردهای تاب‌آوری معنوی: (ذکر و مراقبه) -> مقابله با غفلت -> خنثی کردن بی‌اثرسازی



اخلاقی -> تقویت هویت اخلاقی -> تقویت اراده -> کاهش «فقدان اخلاقی» و ارتقای «حیات طیبه».

۳. تحلیل نظری و بررسی پدیدارشناختی «فقدان اخلاقی» در کلان‌شهر و رویکرد «الهیات شهر»

تحلیل عمیق پدیده «فقدان اخلاقی» در کلان‌شهر معاصر، که در آن تعهدات اخلاقی فردی و اجتماعی دستخوش زوال می‌شود، مستلزم واکاوی ساختارهای پدیدارشناختی و روان‌شناختی است که به این فرسایش منجر می‌گردد. این بخش بر اساس چارچوب نظری پیشین که «غفلت»، «بی‌اثربخشی اخلاقی» و «اکراسیا» را به عنوان عوامل اصلی شناسایی کرد، به تحلیل دقیق و جامع این پدیده‌ها و تبیین راهکارهای الهیاتی «ذکر» و «مراقبه» می‌پردازد.

۳-۱. غفلت: ریشه پدیدارشناختی بی‌اعتنائی اخلاقی

«غفلت»، به‌مثابه حالتی وجودی، سنگ‌بنای زوال اخلاقی در کلان‌شهر است. این مفهوم از منظر الهیاتی، عدم‌توجه و فراموشی نسبت به حقیقت وجودی خویش، مبدأ و معاد، و هدف غایی زندگی است. در فضای کلان‌شهری که با سرعت سرسام‌آور، تحریکات حسی بی‌شمار، و تمرکز بر لذت‌های آنی مشخص می‌شود، امکان وقوع غفلت به شدت افزایش می‌یابد (Simmel, 1950, pp. 410). شهر، با سازوکار تخصصی شدن و تقسیم کار، فرد را از کلیت وجودی و مسئولیت‌های جامع خود دور می‌کند و در یک فضای جزئی‌نگرانه محصور می‌سازد (Putnam, 2000, pp. 19-21). این امر، به تدریج به کاهش «آگاهی اخلاقی» که پیش‌نیاز هر عمل اخلاقی است، منجر می‌شود (Brown & Ryan, 2003, pp. 822-824).

از دیدگاه فلسفی اسلامی، غفلت حالتی است که در آن قوه عاقله از وظیفه خود، یعنی درک حقایق و راهنمایی نفس، باز می‌ماند. امام خمینی (۱۳۷۸، ص ۵۶) در شرح حدیث جنود عقل و جهل، غفلت را یکی از جنود جهل برمی‌شمارد که مانع از رشد کمالات نفسانی می‌گردد. این غفلت، نه تنها در حوزه فردی، بلکه در بستر اجتماعی کلان‌شهر نیز تبلور می‌یابد؛ جایی که

فقدان فضاهاى تأمل برانگیز و رواج ارزش‌های مادی‌گرا، این حالت را تشدید می‌کند (Beaudoin, 2013, pp. 18-20). نتیجه این غفلت، بی‌حسی نسبت به مسائل اخلاقی، عدم درک عمق فجایع اجتماعی، و ناتوانی در همذات‌پنداری با رنج دیگران است. شهروند غافل، از درون خالی شده و به یک ماشین مصرف‌کننده تبدیل می‌شود که از ارزش‌های والای انسانی تهی است.

۲-۳. بی‌اثربخشی اخلاقی: سازوکارهای روان‌شناختی توجیه عمل غیراخلاقی

«بی‌اثربخشی اخلاقی» به مجموعه‌ای از سازوکارهای شناختی اطلاق می‌شود که افراد به وسیله آنها خود را از استانداردهای اخلاقی جدا کرده و بدون احساس شرم یا گناه، به رفتارهای غیراخلاقی دست می‌زنند (Bandura, 1999, pp. 193-195). این سازوکارها، که ریشه‌های عمیقی در غفلت دارند، در کلان‌شهر به دلیل گمنامی، پراکندگی مسئولیت، و فرصت‌های بیشتر برای پنهان‌کاری، رواج بیشتری می‌یابند (Bandura, 2016, pp. 120-125). مهم‌ترین سازوکارهای بی‌اثربخشی اخلاقی که در محیط شهری به شدت فعال می‌شوند، عبارتند از:

۱. توجیه اخلاقی^۱: تبدیل اعمال غیراخلاقی به اعمال موجه از طریق بازنمایی آنها به عنوان اقداماتی برای هدفی والوتر (مثلاً: دروغ گفتن برای حفظ منافع شرکت توجیه دارد).
۲. برجسب‌گذاری توهین‌آمیز^۲: استفاده از واژگان و عبارات مطبوع برای پوشاندن ماهیت زشت یک عمل (مثلاً جبران خسارت به جای سرقت).
۳. مقایسه سودمند^۳: مقایسه عمل غیراخلاقی خود با اعمال بدتر دیگران برای کاهش قبح آن (مثلاً: "من فقط کمی رشوه گرفتم، دیگران میلیاردها دلار می‌دزدند").
۴. جابه‌جایی مسئولیت^۴: سلب مسئولیت فردی و محول کردن آن به مرجع قدرت یا گروه (مثلاً: من فقط دستورات را اجرا کردم).

-
1. Moral Justification
 2. Euphemistic Labeling
 3. Advantageous Comparison
 4. Displacement of Responsibility

۵. پراکندگی مسئولیت^۱: در محیط‌های شلوغ و ناشناس شهری، هیچ‌کس خود را مسئول مستقیم عواقب ناگوار یک عمل نمی‌داند (مثلاً در مواجهه با یک بی‌خانمان، تصور اینکه دیگران کمک خواهند کرد) (Bandura, 2016, pp. 125-130).

۶. تحریف پیامدها^۲: کم‌اهمیت جلوه دادن یا نادیده گرفتن آسیب‌های ناشی از عمل (مثلاً این دزدی کوچک به کسی آسیب نمی‌رساند).

۷. انسان‌زدایی قربانی^۳: سلب هویت انسانی از قربانی تا احساس همدلی از بین برود و راحت‌تر بتوان به او آسیب رساند (مثلاً درگیری‌های نژادی یا طبقاتی در شهر).

این سازوکارها، در نبود «هویت اخلاقی» مستحکم، به سرعت فعال شده و فرد را قادر می‌سازند که حتی در تضاد با ارزش‌های درونی خود، رفتارهای غیراخلاقی را بدون عذاب وجدان انجام دهد (Aquino & Reed, 2002, pp. 1425). کلان‌شهر با ماهیت گمنامی و فقدان روابط چهره به چهره، بستر مناسبی برای رشد این سازوکارها فراهم می‌آورد.

۳-۳. اکراسیا: ضعف اراده در مواجهه با وسوسه‌ها

«اکراسیا»، یا ضعف اراده، مفهوم کلیدی دیگری است که توضیح‌دهنده عمل به آن چیزی است که فرد به درستی و خیر آن باور دارد. ارسطو در اخلاق نیکوماخوس به تفصیل به این پدیده می‌پردازد و آن را ناتوانی در مقاومت در برابر شهوات و لذت‌های آنی، با وجود آگاهی به ناصواب بودن آنها توصیف می‌کند (Aristotle, 2004, pp. 154-156). در کلان‌شهر، با تنوع بی‌شمار لذت‌ها، تحریکات مصرف‌گرایانه و دسترسی آسان به ابزارهای ارضای آنی، اراده انسان بیش از پیش در معرض آزمایش و ضعف قرار می‌گیرد.

اکراسیا نشان‌دهنده گسست میان «دانش اخلاقی» (شناخت خیر و شر) و «عمل اخلاقی» است. فرد، با وجود درک فضیلت، قادر به انتخاب آن نیست. این امر ناشی از سلطه قوای شهوانی و غضبانی بر قوه عاقله است که ریشه‌های آن را می‌توان در غفلت از مبدأ و معاد و عدم تمرین

-
1. Diffusion of Responsibility
 2. Distortion of Consequences
 3. Dehumanization

و تهذیب نفس جستجو کرد. فیض کاشانی (۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۱۰۱) در المحجة البيضاء به تفصیل به آفات قوای نفسانی و نقش اراده در مهار آنها می‌پردازد. ضعف اراده، در واقع، خود را در ناتوانی فرد در پابندی به ارزش‌های اخلاقی، حتی پس از توجیهات بی‌اثربخشی اخلاقی، نشان می‌دهد. این وضعیت به نوعی از خودبیگانگی و نارضایتی درونی منجر می‌شود که در عدم انسجام میان عقیده و عمل ریشه دارد.

۳-۴. الهیات شهر: ذکر و مراقبه به‌مثابه راهبردهای بنیادین

برای مقابله با این سه پدیده مخرب (غفلت، بی‌اثربخشی اخلاقی، اکراسیا)، «الهیات شهر» راهبردهای بنیادین «ذکر» و «مراقبه» را ارائه می‌دهد. این راهبردها، نه تنها به عنوان اعمال عبادی صرف، بلکه به‌مثابه رویکردهای پدیدارشناختی و روان‌شناختی برای بازسازی هویت اخلاقی و ارتقای تاب‌آوری معنوی در فضای شهری عمل می‌کنند.

۳-۴-۱. ذکر: احیای توجه‌مندی و آگاهی اخلاقی

«ذکر»، در معنای وسیع کلمه، به معنای یادآوری و توجه قلبی به حقایق وجودی، مبدأ هستی، و غایت زندگی است (رعد/۲۸). این یادآوری پیوسته، ضدیت مستقیم با غفلت دارد. ذکر، نه تنها به صورت کلامی، بلکه در اشکال فکری و عملی نیز تجلی می‌یابد. تقویت آگاهی اخلاقی: ذکر، با یادآوری حضور دائمی خداوند و مسئولیت انسان در برابر او، آگاهی فرد را نسبت به اعمال و نیت‌های خود افزایش می‌دهد. این امر، فرد را از دام غفلت خارج کرده و به «حضور»^۱ در لحظه و درک پیامدهای اخلاقی رفتارها رهنمون می‌شود. مقاومت در برابر بی‌اثربخشی اخلاقی: ذکر، با ایجاد یک ناظر درونی و ارجاع پیوسته به معیارهای متعالی، مکانیزم‌های توجیه اخلاقی را تضعیف می‌کند. فردی که پیوسته در ذکر است، کمتر می‌تواند اعمال غیراخلاقی خود را توجیه کند؛ زیرا پیوسته با وجدان بیدار و مسئولیت الهی خود در مواجهه است. نراقی (۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۶) در معراج السعادة تأکید می‌کند که ذکر، قلب را جلا می‌دهد و مانع از زنگار گناه بر آن می‌شود.

بازسازی هویت اخلاقی: ذکر پیوسته، هویت اخلاقی فرد را بازسازی و تقویت می‌کند. فردی که به طور منظم ذکر می‌کند، خود را نه تنها به عنوان یک شهروند عادی، بلکه به عنوان یک «انسان متعهد» و «مسئول» تعریف می‌کند. این هویت، به نوبه خود، او را در برابر وسوسه‌ها و فشارهای اجتماعی برای ارتکاب اعمال غیراخلاقی مقاوم می‌سازد (Hardy & Carlo, 2011, pp. 232-235).

۳-۴-۲. مراقبه: تهذیب نفس و تقویت اراده

«مراقبه»، مکمل ذکر و به معنای خودنگهداری، مواظبت از نفس، و محاسبه اعمال و نیت‌ها است. مراقبه، فرایندی فعال و درونی است که فرد در آن، پیوسته، رفتار، افکار، و احساسات خود را رصد می‌کند و در جهت تهذیب آنها گام برمی‌دارد.

غلبه بر اکراسیا: مراقبه، با تمرین پیوسته خودداری و کنترل نفس، اراده را تقویت می‌کند. این تمرین، فرد را قادر می‌سازد که بر شهوات و لذت‌های آنی غلبه کند و به آنچه از نظر اخلاقی صحیح است، عمل نماید. غزالی (۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۲۱۱) در احیاء علوم الدین، مراقبه را به‌عنوان یکی از مراحل اساسی سلوک و تهذیب نفس برمی‌شمارد که در آن، فرد مراقب حرکات و سکنت قلبی و جوارحی خود است.

محاسبه و بازخورد اخلاقی: مراقبه شامل «محاسبه» روزانه است که در آن فرد اعمال خود را ارزیابی می‌کند. این بازخورد درونی، به تصحیح مسیر اخلاقی کمک می‌کند و از تکرار اشتباهات جلوگیری به عمل می‌آورد. محاسبه، عنصر کلیدی در فرایند خودسازی است که در نهایت به استحکام اراده منجر می‌شود.

تغییر نگرش به محیط شهری: از طریق مراقبه، فرد می‌تواند به محیط شهری نه تنها به عنوان فضایی برای مصرف و رقابت، بلکه به عنوان میدانی برای آزمایش اخلاقی و فرصتی برای خدمت به دیگران نگاه کند. این تغییر نگرش، می‌تواند به ایجاد «تاب‌آوری معنوی» در برابر فشارهای منفی شهری منجر شود و فرد را از انزوا و بی‌تفاوتی خارج کند (King, 2008, pp. 757-760).

تحلیل نظری نشان می‌دهد که «غفلت»، «بی‌اثربخشی اخلاقی» و «اکراسیا» سه ستون اصلی «فقدان اخلاقی» در کلان‌شهر هستند. «غفلت» ریشه پدیدارشناختی بی‌اعتنایی را فراهم

می‌کند، «بی‌اثربخشی اخلاقی» سازوکارهای روان‌شناختی برای توجیه اعمال غیراخلاقی را فعال می‌سازد، و «اکراسیا» ضعف اراده را در برابر وسوسه‌ها و لذت‌های آنی تشدید می‌کند. در مقابل، راهبردهای «ذکر» و «مراقبه» از منظر الهیات شهر، پاسخ‌های بنیادینی برای مقابله با این چالش‌ها ارائه می‌دهند. «ذکر» با احیای توجه‌مندی و آگاهی اخلاقی، غفلت را از بین می‌برد و مقاومت در برابر بی‌اثربخشی اخلاقی را تقویت می‌کند. «مراقبه» نیز با تهذیب نفس و تقویت اراده، بر اکراسیا غلبه می‌کند و به بازسازی هویت اخلاقی و ارتقای تاب‌آوری معنوی در محیط کلان‌شهری می‌انجامد. این دو مفهوم، به طور مکمل، مسیر را برای دستیابی به «حیات طیبه» در فضای شهری هموار می‌کنند.

نتیجه‌گیری

در فضایی که غبار «فقدان اخلاقی» افق کلان‌شهر را تیره ساخته است، این پژوهش با تاباندن نور تحلیل بر پدیده‌های «غفلت»، «بی‌اثربخشی اخلاقی» و «اکراسیا»، به مثابه سه‌گانه‌ای مهیب که پیکره اخلاقی جامعه شهری را تهدید می‌کنند، پرده از اسرار نهان آنها برداشت. در این گستره پرآشوب، «الهیات شهر» نه یک گزاره خشک نظری، بلکه همچون چشمه‌ای زلال در دل کویر عطشناک اخلاقیات، راهکارهای «ذکر» و «مراقبه» را به مثابه مرهمی شفابخش و درمانی قطعی عرضه می‌دارد. این دو گوهر بی‌بدیل، نه تنها اعمال عبادی، بلکه کلیدواژه‌هایی بنیادین برای بازسازی هویت انسانی، تقویت اراده، و احیای وجدان بیدار در آشفته‌بازار زندگی معاصر شهری هستند. این رهیافت، فراتر از هر تحلیل سطحی، نه تنها به بازآفرینی «شهر اخلاقی» می‌اندیشد، بلکه رؤیای تحقق «انسان اخلاقی» را در بستر حیات شهری عینیت می‌بخشد؛ انسانی که در مواجهه با تلاطم‌های زندگی مدرن، همچون درختی ریشه‌دار در خاک حقیقت، استوار می‌ماند.

پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آینده

۱. مطالعات بین‌فرهنگی و تطبیقی: بررسی چگونگی بروز «فقدان اخلاقی» و راهکارهای مقابله با آن در کلان‌شهرهای مختلف با فرهنگ‌ها و نظام‌های اعتقادی گوناگون. این پژوهش می‌تواند به تدوین الگوهای جهانی برای ارتقای اخلاق شهری کمک کند.

۲. تحقیقات تجربی و مداخله‌ای: طراحی و اجرای مطالعات میدانی با هدف سنجش اثربخشی برنامه‌های مبتنی بر «ذکر» و «مراقبه» بر شاخص‌های اخلاقی شهروندان و کاهش پدیده‌های «غفلت»، «بی‌اثربخشی اخلاقی» و «اکراسیا» در گروه‌های کنترل و آزمایش.
۳. مدل‌سازی کمی و کیفی: توسعه مدل‌های ریاضی و شبیه‌سازی برای پیش‌بینی دینامیک «فقدان اخلاقی» در طول زمان و ارزیابی تأثیر راهکارهای پیشنهادی بر بهبود این وضعیت. همچنین، انجام پژوهش‌های کیفی عمیق برای درک تجربیات زیسته شهروندان از این پدیده‌ها.
۴. نقش نهادهای واسط: بررسی نقش مساجد، حسینیه‌ها، و دیگر نهادهای مذهبی و فرهنگی در ترویج «ذکر» و «مراقبه» و تأثیر آنها بر ارتقای اخلاق شهری و تاب‌آوری معنوی.
۵. رابطه با فضای مجازی: تحلیل چگونگی تأثیر فضای مجازی بر تقویت یا تضعیف «غفلت»، «بی‌اثربخشی اخلاقی» و «اکراسیا»، و ارائه راهکارهایی برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های فضای مجازی در ترویج «ذکر» و «مراقبه».

محدودیت‌های پژوهش

۱. ماهیت مفهومی و نظری: این پژوهش بیشتر بر تحلیل مفهومی و نظری اتکا دارد و فاقد داده‌های تجربی و میدانی برای تأیید فرضیات و راهکارهای پیشنهادی است.
۲. پیچیدگی پدیده‌ها: «غفلت»، «بی‌اثربخشی اخلاقی» و «اکراسیا» پدیده‌هایی چندوجهی و روان‌شناختی هستند که اندازه‌گیری دقیق و عینی آنها دشوار است و ممکن است در بستر نظری این پژوهش به‌طور کامل پوشش داده نشده باشند.
۳. تفسیر الهیاتی: راهکارهای «ذکر» و «مراقبه» هرچند می‌توانند تفاسیر پدیدارشناختی و روان‌شناختی نیز داشته باشند، اما در سنت‌های الهیاتی و عرفانی ریشه دارند. این امر ممکن است قابلیت تعمیم‌پذیری آنها را برای مخاطبانی که دیدگاه‌های غیردینی دارند، محدود کند.
۴. ابعاد عملیاتی‌سازی: نحوه عملیاتی‌سازی و پیاده‌سازی راهکارهای «ذکر» و «مراقبه» در مقیاس وسیع شهری و سازگاری آنها با سبک زندگی مدرن، نیازمند پژوهش‌های دقیق‌تر و چالش‌برانگیزی است که در این مطالعه به آن پرداخته نشده است.
۵. محدودیت منابع: اتکا به منابع عمدتاً اسلامی و غربی در برخی تحلیل‌ها، ممکن است دیدگاه‌های دیگر فلسفی و اخلاقی را که می‌توانند به غنای بحث کمک کنند، از قلم انداخته باشد.

منابع

۱. امام خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). شرح حدیث جنود عقل و جهل. تهران: انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲. پوراحمد، احمد؛ رفیعی، محمود؛ و عزیزی، محمدرضا. (۱۳۹۱). بررسی نقش مساجد در توسعه فضاهای شهری (مطالعه موردی: شهر تهران). پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۴(۲).
۳. جمالی، صدیقه؛ و احمدی، مهرداد (۱۳۹۵). «تحلیل عوامل مؤثر بر اخلاق شهروندی و تأثیر آن بر سرمایه اجتماعی (مطالعه موردی: شهر شیراز)». پژوهش‌های جامعه‌شناسی ایران، ۱۹(۲).
۴. حسینی شاهرودی، سید مرتضی (۱۳۸۹). معماری اسلامی و توسعه پایدار شهری. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن. دارالعلم، بی‌جا.
۶. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۶). رسالة الولاية (ترجمه ی. حسنی). انتشارات شمس، بی‌جا.
۷. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۸. قرآن کریم.
۹. فارابی، ابونصر (۱۴۰۴ق). آراء اهل المدينة الفاضلة (محقق: آ. نادر). دارالمشرق، بی‌جا.
۱۰. فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۰۶ق). المحجة البيضاء فی تهذیب الإحیاء. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۱. غزالی، ابوحامد محمد (۱۴۰۶ق). احیاء علوم الدین. دارالمعرفة، بی‌جا.
۱۲. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). جامعه‌شناسی (ترجمه م. صبوری). تهران: نشر نی.

۱۳. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۵). معارف قرآن: انسان‌شناسی. تهران: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۴. مطهری، مرتضی (۱۳۷۰). مجموعه آثار. تهران: انتشارات صدرا.
۱۵. نراقی، ملا احمد (۱۳۸۶). معراج السعادة. انتشارات دهقان، بی‌جا.
16. Aquino, K., & Reed II, A. (2002). The Self-Importance of Moral Identity. *Journal of Personality and Social Psychology*, 83(6), 1423-1440.
17. Aristotle. (2004). *Nicomachean Ethics* (T. Irwin, Trans.). Hackett Publishing Company.
18. Bandura, A. (1999). Moral Disengagement in the Perpetration of Inhumanities. *Personality and Social Psychology Review*, 3(3), 193-209.
19. Bandura, A. (2016). *Moral Disengagement: How People Do Harm and Live with Themselves*. Worth Publishers.
20. Beaudoin, T. (2013). *The Theology of Urban Life*. Fortress Press.
21. Brown, K. W., & Ryan, R. M. (2003). The Benefits of Being Present: Mindfulness and Its Role in Psychological Well-Being. *Journal of Personality and Social Psychology*, 84(4), 822-848.
22. Colby, A., & Damon, W. (1992). *Some Do Care: Contemporary Lives of Moral Commitment*. The Free Press.
23. Davidson, D. (1980). How Is Weakness of the Will Possible? In D. Davidson (Ed.), *Essays on Actions and Events* (pp. 21-42). Oxford University Press.
24. Graham, S. (2017). *Cities and the Geographies of Modernity*. Routledge.
25. Hardy, S. A., & Carlo, G. (2011). Moral Identity: What Is It, How Is It Measured, and What Does It Add to the Study of Moral Development? *Developmental Review*, 31(2), 212-236.



26. King, P. E. (2008). Spiritual Development in Context: The Role of Religious and Spiritual Communities in Fostering Adolescent Thriving. *Journal of Youth and Adolescence*, 37(7), 757-768.
27. Lefebvre, H. (1991). *The Production of Space* (D. Nicholson-Smith, Trans.). Blackwell Publishing.
28. Pargament, K. I., Tarakeshwar, H., & Mahoney, A. (2011). Religious and Spiritual Paths to Resilience in Times of Crisis. In K. M. Pargament (Ed.), *Handbook of the Psychology of Religion and Spirituality* (2nd ed., pp. 34-49). Guilford Press.
29. Putnam, R. D. (2000). *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*. Simon & Schuster.
30. Simmel, G. (1950). The Metropolis and Mental Life. In K. H. Wolff (Ed. & Trans.), *The Sociology of Georg Simmel* (pp. 409-424). Free Press.